

بررسی مبانی فقهی موافقان و مخالفان حضور زنان در ورزشگاه^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۷

زهره حاجیان فروشانی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

محمدرضا حمیدی^۳

فاطمه سواعدی^۴

DOI: 10.30497/flj.2022.243485.1822

چکیده

حق دسترسی به فضاها و عرصه‌های ورزشی و امکان انجام فعالیت‌های آزادانه در آنها از برجسته‌ترین مطالبات زنان در زمان حاضر به شمار می‌آید؛ به‌ویژه مسئله جواز حضور زنان تماشاچی در ورزشگاه‌های مردانه همواره مورد مناقشه و اختلاف نظر بوده است. فقهای معاصر مسئله یادشده را با استناد به آیات و روایات مربوط به حرمت اختلاط و ایجاد مفسده، حرام می‌دانند؛ در حالی که موافقان برداشت‌های متفاوتی از آیات و روایات مربوط ارائه داده‌اند یا آنکه حضور در ورزشگاه را از مصادیق این ادله نمی‌دانند. در این نوشتار، ضمن دسته‌بندی حالات مختلف و متصور، ادله طرفین مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. حاصل آنکه به‌طور کلی، با توجه به نامناسب بودن ساختار ورزشگاه‌های مردانه برای حضور زنان، قطعاً حضور زنان در آنها نوعی از اختلاط مفسده‌انگیز است و ادله موافقان در این زمینه، خدشه‌پذیر و ناتمام هستند. در عین حال و با توجه به اینکه صرفحضور زنان در ورزشگاه‌های مردانه دارای عنوان حرامی نیست، بلکه از حقوق زنان به شمار می‌آید، دولت می‌بایست با ایجاد شرایط مناسب، امکان حضور زنان را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها

حقوق زنان، ورزشگاه، اختلاط، مفسده، حق آزادی.

۱. این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم فاطمه سواعدی با عنوان «بررسی تأثیر زمان و مکان در آرای فقها نسبت به اختلاط زن و مرد» استخراج گردیده که در شهریور ۱۴۰۰ دفاع شده است.

۲. (نویسنده مسئول) استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، خوزستان، ایران.

z.hajian@scu.ac.ir

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، خوزستان، ایران.

m.hamidi@scu.ac.ir

۴. کارشناس ارشد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، خوزستان، ایران.

fthm.1398@gmail.com

مقدمه

امروزه با گسترش مفاهیمی چون برابری حقوق زن و مرد، حقوق شهروندی، حق آزادی و ... زنان نسبت به گذشته، حضور پررنگ‌تری در جامعه دارند. به همین جهت، مطالبات اجتماعی آنها نیز بسیار گسترده‌تر شده است. یکی از مطالبات جدی زنان در سال‌های اخیر، حضورشان در ورزشگاه است. حضور زنان در ورزشگاه به سه انگیزه صورت می‌گیرد: ورزش کردن، تماشای ورزش بانوان و تماشای مسابقات خاص مردان. درمورد ورزش کردن زنان، نص صریحی که به این موضوع اشاره کرده باشد، در متون شرعی وجود ندارد. البته طبیعی هم است؛ زیرا ورزش کردن به شکل امروزی اصلاً در گذشته مطرح نبوده است؛ لذا حکم آن باید با توجه به اصول و قواعد شرعی مشخص شود. بنابراین با توجه به عدم وجود نص خاص یا عامی دال بر نهی از ورزش کردن زنان، به استناد اصل برائت، ورزش کردن زنان نه تنها جایز است، بلکه می‌توان گفت در زندگی هاشینی امروزی، انجام فعالیت‌های ورزشی به دلیل حفظ سلامت روحی و جسمی به یک ضرورت تبدیل شده است. علاوه بر اینها، ورزش می‌تواند به عنوان یک سرگرمی سالم و مفید، اوقات فراغت افراد را پر کند و باعث شود انسان سمت سرگرمی‌های ناسالم و حرام نرود. بنابراین با توجه به اثرات مثبت ورزش در حفظ سلامتی و به استناد اصل برائت، ورزش برای زنان جایز است؛ البته به شرط آنکه موجب بی‌حجابی یا افتادن در گناه و مفسده نباشد و در محیط‌های مخصوص بانوان انجام شود و از اختلاط با مردان پرهیز شود و احکام شرعی در ورزش رعایت شوند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۵۰۱؛ علوی گرگانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۶۴۰؛ روحانی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۳۶۷). حضور زنان در ورزشگاه برای تماشای مسابقات بانوان نیز به استناد همین اصل جایز است.

آنچه اکنون بحث‌برانگیز شده، رفتن زنان به ورزشگاه برای تماشای مسابقات ورزشی مردانه است که به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است. گرایش زنان به حضور در ورزشگاه‌های مردانه در دو دهه اخیر و تبدیل شدن این گرایش به یک مطالبه جدی در سطح ملی و بین‌المللی و به تبع آن، مطالباتی که بسیاری از فعالان در زمینه حقوق زنان جهت دریافت مجوز حضور

بانوان در ورزشگاه‌های مردانه دارند و در مقابل، ممانعت و مخالفت‌های فقها و طرفداران عدم اختلاط، باعث ایجاد تنش در جامعه شده است. این مطالبات زنان مورد توجه مسئولان سیاسی نیز قرار گرفته و موافقان و مخالفان در این مورد به بحث و جدل پرداخته‌اند و هریک از آنها با در نظر گرفتن بعدی از مسئله و منافع و مضرات مترتب بر آن، در این زمینه اظهار نظر مثبت یا منفی نموده‌اند. اما از آنجاکه ایران دارای حکومتی اسلامی است و قوانین آن باید از نظر موافقت یا عدم مخالفت با موازین شرعی مورد ارزیابی قرار گیرد، یکی از ابعاد مهم این موضوع بُعد فقهی و شرعی آن است. لذا در این مقاله، بُعد فقهی آن با نقد و بررسی نظر موافقان و مخالفان، مورد کنکاش قرار گرفته است.

البته لازم به ذکر است، مهم‌ترین منبعی که در این زمینه وجود دارد، کتاب حضور زنان در ورزشگاه‌ها تألیف آقای جواد فخار طوسی است که نویسنده سعی کرده با اختصاص آیات حجاب و عفاف به زنان پیامبر یا گروه خاصی از زنان، حضور زنان در ورزشگاه‌ها را به‌طور مطلق تجویز کند. به نظر نگارندگان، این دیدگاه دارای ایرادات اساسی است. لذا در این مقاله، سعی شده است تا ضمن بررسی فقهی این مسئله، دیدگاه میانه‌ای در این زمینه ارائه گردد که هم موازین شرعی رعایت شود و هم متضمن تأمین حقوق زنان باشد.

۱. دیدگاه‌های فقهی

در زمینه حضور زنان در ورزشگاه، دو دیدگاه وجود دارد. البته اکثر فقیهان با این موضوع مخالف‌اند؛ اما برخی محققان سعی دارند با تغییر دامنه آیات و روایات، حضور زنان در ورزشگاه را از نظر فقهی به‌طور مطلق تجویز کنند. در ادامه، ادله هر دو دیدگاه مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۱. ادله ممنوعیت حضور زنان در ورزشگاه

بسیاری از فقیهان با حضور زن در ورزشگاه‌های مردانه مخالف‌اند و برای اثبات دیدگاه خود، به ادله‌ای استناد می‌کنند که در ادامه، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱. تأکید اسلام بر عدم خروج غیر ضروری زن از منزل

برخی فقها خروج زن از منزل در کارهای غیر ضروری را ممنوع می‌دانند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۵). براساس این دیدگاه با توجه به عدم ضرورت حضور زن در ورزشگاه، این امر مجاز

نخواهد بود. آیاتی از سوره احزاب و برخی از روایات به زنان سفارش می‌کنند که در خانه‌هایشان بمانند و از بیرون رفتن غیر ضروری از خانه پرهیز کنند. آیه ۳۳ سوره احزاب خطاب به زنان پیامبر(ص) می‌فرماید: در خلنه‌هایتان استقرار یابید و مانند دوران جاهلیت نخستین خودنمایی نکنید(میان مردم با آرایش و زینت و جلوه‌گری ظاهر نشوید) و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید ... این آیه با اینکه زنان پیامبر(ص) را مخاطب قرار می‌دهد، مقصودش عام است و احکام ذکرشده در آن، شامل همه زنان جامعه اسلامی می‌شود (یزدی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۵؛ اشتهاوردی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۷۵؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۳؛ سیفی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳؛ سند، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۶۸؛ قرطبی، ۱۴۲۷ق، ج ۱۷، ص ۱۴۱)؛ بنابراین معنای این آیه امر به لزوم خانه‌نشینی است.

اگرچه خطاب برای زنان پیامبر(ص) است، بقیه زنان نیز در آن داخل هستند و تنها برای همسران پیامبر(ص) بیشتر از دیگران تأکید می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۳۷). بر همین اساس، برخی از فقها و جوب ماندن زن در خانه را از این آیه برداشت کرده‌اند. آنها آیه را عام و شامل هر زن آزاد مسلمان می‌دانند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۵). اما برخی از پژوهشگران عام بودن آیه را مورد انتقاد قرار داده، معتقدند با توجه به عبارت‌هایی که قبل از این آیه آمده، آیه عمومیت نداشته، اختصاص به زنان پیامبر(ص) دارد؛ چون در آیات قبلی با عبارت «النِّسَاءُ النَّبِیِّ کَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ» (احزاب، ۳۲)، موقعیت و مقام حساس زنان پیامبر بیان می‌شود که آنان مانند زنان دیگر نیستند. بر همین اساس، عبارت‌های بعدی که آنان را به خانه‌نشینی دعوت می‌کنند، نمی‌توانند برای تمام زنان حکمی عام را بیان کنند. در آیه، زنان پیامبر(ص) مخاطب هستند و آیه احکامی را متوجه آنها می‌سازد. لذا از منطبق به دور است که تمام زنان مسلمان را ملزم به رعایت آن احکام کنیم. از طرفی دیگر، در احکام بیان‌شده در آیه، سطح عادی احکام مدنظر نبوده است؛ بلکه بالاترین سطوح که اختصاص ویژه به همسران رسول خدا(ص) دارد، مدنظر می‌باشد (فخار طوسی، ۱۳۹۷، ص ۲۹). به نظر می‌رسد این دلیل دارای ایرادات اساسی است که به شرح زیر می‌باشد:

الف. مخاطب بودن زنان پیامبر(ص) در این آیه، دلیل محکمی نیست که به آن استناد شده

است. در قرآن کریم، آیاتی داریم که شخص پیامبر (ص) یا حتی افراد دیگری را مخاطب قرار می‌دهند، اما حکم آنها عام است؛ مانند آیه اول سوره احزاب: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا»: آیه پیامبر (ص) را به پرهیزکاری و دوری از گناه امر و از فرمان بردن از کافران و منافقان نهی می‌کند که در ظاهر این طور برداشت می‌شود که ایشان معصوم نیست و امکان دارد که پرهیزکار نباشد و مرتکب گناه شده، از کافران و منافقان اطاعت کند. در صورتی که این امر مردود است؛ زیرا پیامبر (ص) معصوم است و حتی بیم آن نمی‌رود که شاید لحظه‌ای فرا رسد و پیامبر (ص) پرهیزکار نباشد یا از کافران و منافقان اطاعت کند. در ظاهر، مخاطب این آیه پیامبر (ص) است، اما مراد از آن، شخص ایشان نیست؛ بلکه مقصود در این خطاب امت ایشان است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۰، ص ۹۰). آیات دیگر ۹ و ۱۰ ضحی، ۱۰۵ یونس، ۸۷ قصص و ۲۴ اسراء هستند.

ب. در پاسخ دوم، می‌توان به آیه ۲۱ سوره احزاب استناد کرد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...»؛ در تفسیر این آیه بیان شده: یکی از احکام رسالت پیامبر (ص) و ایمان آوردن شما این است که به او تأسی و اقتدا کنید، هم در گفتار و هم در رفتارش (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶، ص ۲۸۸). این آیه، آیه تأسی نام دارد و پیامبر (ص) را به عنوان الگو و اسوه نیکو معرفی می‌کند. بنابراین اگر پیامبر (ص) الگو است، همسران ایشان نیز به تبع آن حضرت، برای زنان الگو هستند. حال از آنجا که در این دلیل گفته شده است که در احکام ذکر شده در آیه، سطح عادی احکام مدنظر نبوده، بلکه بالاترین سطوح احکام مدنظرند، جای این پرسش است که چرا بقیه زنان امت اسلامی به همسران پیامبر (ص) اقتدا و تأسی نکنند؟ چرا سایر زنان همسران پیامبر (ص) را الگو قرار ندهند؟ سزاوار است که بقیه زنان مسلمان نیز با تأسی از زنان پیامبر (ص) تلاش کنند این احکام را در بالاترین سطوح آنها انجام دهند؛ زیرا با توجه به اینکه قرآن کریم دین اسلام را به نحو برنامه سلوکی و روش زندگی و به صورت دستورات کلی توسط پیامبر (ص) به مردم ابلاغ می‌کند، این مطلب قابل تأمل است که چرا احکام ذکر شده ویژگی خاصی برای همسران پیامبر (ص) دارند یا به چه دلیل احکام این آیه سطوح بالا و پایین

دارند؟ در حالی که مسلمانان در عمل به احکام با هم متفاوت نیستند و حد اعلی و حد ادنی در انجام تکالیف و احکام الهی وجود ندارد. اگر عملی بر مسلمانان واجب بوده، برای همه آنها یکسان است و ظاهراً چنین چیزی نداریم که در انجام واجبات و احکام بین مسلمانان فرقی باشد. دستورات آیه نیز از این قاعده مستثنی نیستند. البته تفاوت‌هایی در انجام احکام وجود دارد که در پاسخ سوم (قاعده اشتراک)، توضیح داده خواهد شد.

اما عبارت «شما مثل سایر زنان نیستید» برای تأکید است و دلیل بر آن است که تکلیف آنها سخت‌تر و شدیدتر است؛ نه آنکه احکام مختص آنها باشد یا اینکه احکام سطوح بالا و پایین داشته باشند؛ بلکه منظور این است که حساب آنها از بقیه جداست و باید بیش از دیگران مراقب رفتار خود باشند؛ بنابراین همه مسلمانان، مخصوصاً زنان، شامل این دستورات هستند و آیات به همسران پیامبر (ص) اختصاص ندارند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۱۷۶).

ج. پاسخ سوم «قاعده اشتراک است». براساس این قاعده، همه مکلفان در تکالیف شرعی اشتراک دارند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱، ص ۵۰۲)؛ یعنی هر تکلیفی برای هر شخص یا گروهی در اسلام ثابت شود (فرقی هم نمی‌کند که ثبوت آن با خطاب لفظی باشد یا دلیل لبی و توسط اجماع یا غیر آن)، حکم آن تکلیف مخصوص آن شخص یا گروه نیست؛ بلکه همه مکلفین در همه زمان‌ها تا روز قیامت شامل آن می‌شوند؛ مگر آنکه در موضوع خصوصیت یا قیدی باشد که فقط بر شخص خاص یا گروه خاص یا زمان خاصی، مانند زمان معصوم (ع)، منطبق شود (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵۳)؛ یعنی صرف اینکه در آیه یا روایتی، شخص خاصی مخاطب باشد، دلیل بر اختصاص حکم به آن شخص نمی‌شود. تتبع در مستندات احکام شرعی، که غالباً روایات هستند، به وضوح آشکار می‌کند که مستند بسیاری از احکام پرسش و پاسخ راوی است. اگر قاعده اشتراک را نپذیریم، بسیاری از احکام شرعی خاص مخاطب می‌شود و برای سایر مسلمین، الزام‌آور نیست! این تالی فاسدی است که هیچ فقیهی نمی‌تواند آن را بپذیرد. البته استثنائاتی وجود دارد؛ ولی در جاهایی احکام از این قاعده مستثنی می‌شوند که دلیل قطعی بر آن وجود داشته باشد؛ مانند وجوب نماز شب بر پیامبر (ص) یا اینکه ایشان

می توانستند با بیشتر از چهار زن ازدواج دائم داشته باشند؛ اما در مسئله مورد بحث، نه تنها دلیل قطعی بر اختصاص آیه به زنان پیامبر نداریم، بلکه قرینه بر خلاف این فرض هم وجود دارد. به قرینه اقامه نماز و زکات، اطلاق و شمول آیه برای عموم زنان واضح است؛ زیرا مسلم است که وجوب نماز، زکات و اطاعت خدا از مختصات زنان پیامبر (ص) نیست (موحدی نجفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۲۹). نهایت این است که شک می کنیم آیا آیه به مخاطب، یعنی زنان پیامبر، اختصاص دارد یا خیر که اصل بر عدم اختصاص است.

همان طور که در مباحث پیشین هم ذکر شد، در قرآن کریم، موارد دیگری هم داریم که مخاطب شخص پیامبر (ص) است، اما حکم مختص ایشان نیست. به عنوان مثال، خداوند خطاب به پیامبر (ص) می فرماید: «قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (بقره، ۱۴۴). در این آیه، قبله برای پیامبر (ص) معرفی می شود؛ اما مسلم است این حکم مختص پیامبر (ص) نیست و شامل همه مسلمانان می شود. لذا مسلمانان نمی توانند به این دلیل که ظاهر آیه خطاب به پیامبر (ص) است، به هر سمت که خواستند، نماز بخوانند.

تا اینجا، در مورد عمومیت آیه بحث شد؛ اما مسئله بعدی دلالت این آیه بر ممنوعیت خروج زن از منزل است. دلالت آیه بر این امر از «وقرن فی بیوتکن» برداشت شده است. در ریشه کلمه «وقرن» دو احتمال داده شده است: این کلمه یا از «القرار» گرفته شده است یا از «الوقار» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۴۸۲؛ طبرسی، ۱۴۲۶، ج ۸، ص ۲۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۷، ص ۲۹۰). اگر از ماده «القرار» باشد، امر آن «اقرن» است که «راء» اول به عنوان تخفیف حذف شده و فتحه آن به «قاف» منتقل شده و با وجود فتحه، از همزه وصل بی نیاز شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۷، ص ۲۹۰). براساس این مبنا، آیه بر ثابت ماندن در خنله و ممنوعیت خروج از منزل دلالت می کند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۴۸۲؛ طبرسی، ۱۴۲۶، ج ۸، ص ۲۲۴)؛ اما اگر از ریشه «الوقار» باشد که واو آن حذف شده، مثل کلمه عدن و کلن، به معنای سنگینی و متانت می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۷، ص ۲۹۰). بر این اساس، آیه به زنان امر می کند که موقر و سنگین باشید و ارتباطی با خروج از منزل ندارد.

بنابراین از آنجا که در آیه دو احتمال وجود دارد و فقط براساس یکی از احتمالات، بر ممنوعیت خروج از منزل دلالت می‌کند، اما براساس احتمال دیگر، متضمن دستور دیگری است، نمی‌توان برای ممنوعیت خروج از منزل، به این آیه استناد کرد.

برای مذموم بودن خروج زن از منزل، به برخی از روایات نیز استناد می‌شود؛ مانند روایاتی که در آنها حتی خروج زن از خانه برای نماز و رفتن به مسجد نیز ناپسند شمرده شده و بهترین مساجد برای زنان را خانه‌های خودشان (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۷۴) و فضیلت نماز در خانه را برتر از مسجد دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۲۳۸). براساس این روایات که خروج غیرضروری زن از خانه را حتی برای نماز که عبادتی واجب است، مکروه و ناپسند می‌دانند، مخالفان معتقدند رفتن زنان به ورزشگاه‌های مردانه که امری غیرضروری بوده و امکان ارتکاب محرمات به علت جو حاکم بر آن وجود دارد، جایز نیست (روحانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۴۲).

به روایتی از امام علی (ع) نیز استناد شده است که می‌فرماید: «تُخْلَقُ الرَّجَالُ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّمَا هُمُومٌ فِي الْأَرْضِ وَخُلِقَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرَّجَالِ وَإِنَّمَا هُمُومٌ فِي الرَّجَالِ أَحْبَسُوا نِسَاءَكُمْ يَا مَعْشَرَ الرَّجَالِ» (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۰، ص ۶۴): مردان از زمین آفریده شدند به درستی که اهتمام و میل آنان در زمین است و زن از مردان آفریده شد، به درستی که اهتمام و میل او در مردان است. پس ای مردان! زنان خود را حبس کنید. استناد به این حدیث جای بحث دارد. اگر در حدیث دقت کنیم، میل مردان به زمین و میل زنان به مردان جلب توجه می‌کند. اگر بخواهیم میل زنان به مردان را در میل جنسی جستجو کنیم، قضیه باید برعکس باشد؛ زیرا به طور فطری و طبیعی، این مردان هستند که میل جنسی بیشتری به زنان دارند و این امری ثابت شده است و نیاز به بحث ندارد. بنابراین این میل نوع دیگری است و به تکوین زن و مرد برمی‌گردد. مرد در تکوین و خلقتش مسئول خانواده است. او ذاتاً دنبال کار و کوشش است تا بتواند نیازهای زندگی خانواده‌اش را فراهم کند. پس به طور فطری، اهتمام و میل مرد به زمین است؛ چون زمین مصدر کار و کوشش و تأمین لوازم مورد نیاز زندگی انسان است؛ اما زن که مرد را حامی و مسئول زندگی خود می‌داند، به مرد تمایل دارد. پس مرد از زمین زندگی می‌سازد و لذا اهتمام و میل او به زمین است و زن

به کسی نیاز دارد که برایش زندگی بسازد و بنابراین به مرد که سازنده زندگی است، اهتمام و میل دارد. پس میل زنان به مردان را باید در ویژگی‌های هریک از آنها جستجو کرد. زن به حامی نیاز دارد؛ کسی که او را بفهمد و شیفته روحیه لطیف، ظریف، حساس و زیبای او شود. روحیه حمایتگری و تسلط و قدرت مردان در حل مشکلات و غلبه آنها بر احساسات و عواطف، آنان را در نظر زن، گزینه مناسبی قرار می‌دهد. از طرفی دیگر، ارتباط با جنس مخالف برای زنان، آنها را از حسادت‌های زنانه در امان نگه می‌دارد. زنان در میان خودشان حساسیت‌های خاص زنانه و چشم‌وهم‌چشمی دارند؛ اما در رابطه با جنس مخالف، این امور وجود ندارند و زنان از مشکلات ارتباط با جنس موافق و حساسیت‌ها و حسادت‌ها در امان هستند. زنان به جلب نظر مردان علاقه‌مندند. آنها دوست دارند مردان را اسیر کنند. غریزه عجیبی در خلقت زن نهفته است که میل به شکار توجه و اهتمام مردان دارد و این میل ضرورتاً جنسی نیست.

حبسی که امام (ع) در حدیث می‌فرماید، شاید به‌علت همین روحیه خاص زنان است و منظور از حبس، توجه بیشتر مردان به زنان خودشان است. یک مرد به‌عنوان پدر یا همسر، مراقبت و توجه بیشتری به دختر یا همسرش داشته باشد و او را از نظر روحی حبس کند تا از لحاظ عاطفی، میل به مردان دیگر نداشته باشد؛ و الا حبس جسمی و جلوگیری از بیرون رفتن زن اولاً از نظر عقلی درست نیست و ثانیاً با تاریخ اسلام در تضاد است؛ زیرا زنان در طول تاریخ اسلام، زندانی یا خانه‌نشین نبودند و در اجتماع حضور داشتند.

عامل ایمان زنان مقید به احکام شرعی را نیز نباید فراموش کرد که عاملی بازدارنده است. آنها با ایمانی که دارند، خودشان را حبس و حفظ می‌کنند تا در گناه نیفتند، حتی اگر در میان مردان باشند. لذا حبس آنان توسط مردان توهین به آنان است. به این نحو که حبس کردن آنان توسط مردان نشانه آن است که زنان در حفظ خودشان ناتوان‌اند؛ بنابراین بهترین تفسیر برای این روایت این است: مراد از حبس زنان حبس جسدی نیست؛ بلکه حبس نفسانی است و به‌معنای حفظ و نگهداری از زن است تا تحت تأثیر مردان نامحرم قرار نگیرد. در کتب لغت نیز برای حبس، معنای حفظ و نگهداری و باقی گذاشتن ذکر می‌شود و حبس در لغت، فقط به‌معنای

بازداشت و منع از خروج نیست (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۲۳۰)؛ بلکه به معنای حبس نفس و حبس نظر نیز آمده است (عبدالقادر، ۱۴۱۵ ق، ص ۷۱، ۱۶۴ و ۱۸۸) و نیز گفته شده است که او را حبس کنی، یعنی نفس خودت را مختص او قرار بدهی. وقتی بگویی که آن شیء را حبس کردم، یعنی آن را مختص نفس خودت قرار داده‌ای (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۱۵۱).

در فقه نیز، «حبس العین و اطلاق المنفعه» به معنای حفظ و نگه داشتن عین و بهره‌برداری از منفعت است (نجفی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۱، ص ۵۳۰). همچنین در تاریخ ذکر می‌شود که عبدالله، پسر یازده‌ساله امام حسن^(ع)، در واقعه کربلا هنگامی که تنهایی عموی خود را در میان دشمنان دید، شتابان به سمت عمویش دوید. در این حال، حضرت زینب^(س) جلوی او را گرفت که با عبارت «لتحبسه» در کتب ذکر می‌شود. امام حسین^(ع) نیز وقتی او را دید که می‌خواهد به میدان بیاید، خطاب به حضرت زینب^(س) فرمود: «احبسیه» (مجلسی، ۱۳۶۳، ص ۲۸۱). در این واقعه نیز، حبس به معنای نگهداری و حفظ است. پس حبس توصیه به مردان است که از لحاظ عاطفی به زنان خود توجه بیشتری داشته باشند تا زن آسیب‌پذیر نباشد و به دنبال کسی نگردد که او را از لحاظ روحی و عاطفی تأمین کند.

این تفسیر با آیات قرآن نیز اثبات می‌شود. آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: به زنان مؤمن بگو تا چشم‌هایشان را از نگاه حرام بازدارند و اندامشان را از عمل گناه حفظ کنند و زینت و آرایش خودشان را به جز آنچه از آن ظاهر می‌شود، به نمایش و عرضه درنیاورند و روسری خودشان را بر سینه و بالاتنه خود رها کنند و زیبایی‌های خود را آشکار نسازند جز برای شوهران و ... این آیه دلیل واضحی است که نشان می‌دهد زنان در صدر اسلام، حبس نبودند و اسلام هم دستوری بر حبس جسدی آنها ندارد؛ بلکه می‌توان گفت که این آیه حبس جسدی را نفی می‌کند؛ زیرا دستوراتی که در این آیه بیان شده، در واقع درمورد نحوه حضور زنان در اجتماع است. لذا می‌توان آن را دلیلی بر عدم حبس جسدی زنان دانست. اگر این تفسیر از حبس پذیرفته نشود، باید گفت این روایت از روایاتی است که با ظاهر قرآن در تعارض است. ائمه^(ع) برای تشخیص روایات موازینی قرار داده‌اند، مانند موافق بودن با کتاب

خدا و سنت پیامبرش؛ اما اگر روایات با کتاب خدا و سنت منافات داشت، می‌فرمایند که آن را به دیوار بکوبید (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۹، ص ۵۷)؛ یعنی به آن اعتنا نکنید و ملاحظه شد که تفسیر این روایت به حبس جسدی، با کتاب خدا و سنت پیامبرش منافات دارد.

۱-۲. عدم اختلاط و سفارش به رعایت حریم در روابط زن و مرد

آزادی بی‌حدومرز در روابط زن و مرد سلامت و پاکیزگی جامعه را به خطر می‌اندازد. دین اسلام بر پاکیزگی جامعه و جلوگیری از مفاسد اخلاقی تأکید دارد. لذا نصوص متواتر بر منع اختلاط داریم (سیفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵۳). البته مقصود اختلاطی است که مفسده به دنبال داشته باشد. لذا در دستورات اسلامی، در موارد متعدد به حفظ حریم و عدم اختلاط زن و مرد تأکید شده است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ ق، ج ۷، ص ۳۸۵). البته فقها به مکروه بودن اختلاط زنان و مردان فتوی می‌دهند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۸، ص ۵۰۷؛ تبریزی، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۳۹۲؛ مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵)؛ زیرا اگر عدم اختلاط واجب و الزامی باشد، زندگی بسیار سخت و حتی غیرممکن می‌شود. اسلام جداسازی کامل زن و مرد را سفارش نمی‌کند؛ بلکه سفارش به رعایت حریم در روابط است و ممنوع بودن اختلاط مختص به اختلاطی است که منشأ و آغاز فساد باشد. اما اختلاطی که موجب پیشرفت و تکامل جامعه یا از ضروریات زندگی انسانی و جهت آموختن دانش و کسب تجربه و کار باشد، جایز است و زن می‌تواند با رعایت موازین اسلامی، در هر زمینه‌ای که برای خود مناسب می‌بیند، فعالیت کند (یزدی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۲۷)؛ اما از آنجاکه با توجه به شرایط و فضای کنونی ورزشگاه‌ها احتمال عقلایی وجود دارد که حضور زنان در این اماکن، سبب عدم حفظ حریم در روابط زن و مرد، اختلاط مفسده‌انگیز و در نتیجه، منشأ فساد شود، حضور زنان در ورزشگاه‌ها در شرایط کنونی جایز نیست (نوری همدانی، ۱۳۹۴، مندرج در <https://www.yjc.news>)؛ زیرا حضور زن در جامعه و ارتباط با نامحرم دارای ضوابطی است (این ضوابط در نقد ادله جواز بیان خواهد شد). هدف از این ضوابط محدود کردن زن نیست؛ بلکه هدف حفظ سلامت روانی زن و مرد، قرار گرفتن جامعه به‌عنوان مرکز کار و فعالیت به دور از امیال شهوانی، سلامت خانواده به‌عنوان

کانون تربیت و محدود کردن امیال و غرایز جنسی در خانه و در رابطه خصوصی زن و شوهر است.

برخی معتقدند که آیات و روایات حجاب، عدم اختلاط و حفظ حریم در روابط بانامحرم فقط به گروه خاصی از زنان به نام مُخدره اختصاص دارند و شامل گروه دیگر که زنان برزه نام دارند، نمی‌شوند (فخار طوسی، ۱۳۹۷، ص ۹۱—۹۲). در پاسخ، ابتدا باید مقصود از زنان مُخدره و برزه مشخص شود:

در لغت، مُخدره به زنانی اطلاق می‌شود که خودشان را فقط برای شوهرهایشان آشکار می‌کنند و به سمت مردان دیگر گرایش ندارند (ابن منظور، ۱۴۰۵، ق، ج ۵، ص ۹۹). این معانی برای مخدره، ممتد از حیا است (همان، ج ۱۴، ص ۲۱۹)؛ اما برزه زنی است که روی او برای مردان نمایان شده (همان، ج ۸، ص ۵۲). کلمه برزه از بروز گرفته شده که به معنای ظهور است (طریحی، ۱۴۰۸، ق، ج ۱، ص ۱۸۶).

در اصطلاح فقهی، برزه زنی است که برای تأمین نیازهای زندگی خود از خانه خارج می‌شود و چه‌بسا در این رابطه با مردان برخورد و معامله و مجالست داشته باشد. مخدره زنی است که جز برای نیازهای ضروری از خانه خارج نمی‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ق، ج ۲، ص ۹۹). فقها این دو اصطلاح را در باب لعان و قضاء آورده‌اند. حکم زن برزه از جهت حضور در دادگاه حکم مرد است. پس اگر زنی در شهری ساکن باشد، در صورتی که خواهان (مدعی) درخواست کند که زن حاضر شود، زن به شرط وجود محرم یا فرد مورد اعتماد برای همراهی در طول مسیر و امنیت راه، مکلف به حضور در دادگاه می‌شود. اما زن مخدره مکلف به حضور در دادگاه نمی‌شود؛ بلکه حاکم شخصی را نزد او می‌فرستد تا در خانه خودش از او شهادت بگیرد یا آنکه بین او و طرف دعوا حکم کند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ق، ج ۲، ص ۱۰۰).

تقسیم زنان به دو گروه مخدره و برزه و نتیجه گرفتن از این تقسیم که آیات و روایات حجاب و حفظ حریم فقط به زنان مخدره اختصاص دارد و شامل زنان برزه نمی‌شود (فخار طوسی، ۱۳۹۷، ص ۹۲—۹۳)، نتیجه‌ای است که برخی با تلاش و تحقیق به دنبال اثبات آن

هستند. زنانی که برای انجام کارهای روزانه از خانه بیرون می‌روند، به خیابان‌ها می‌آیند، خرید می‌کنند، با مردان گفتگو و معامله می‌کنند و در مکان‌های عمومی حضور دارند، برزه هستند. اما زنی که از خانه بیرون نمی‌رود، زن مخدره است. براساس این عقیده، در زمان حاضر اگر نگوییم ۱۰۰ درصد زنان برزه‌اند، قطعاً ۹۹ درصد آنان برزه هستند و نسل زنان مخدره منقرض شده است. لذا براساس این دیدگاه، آیات و روایات حجاب و ضرورت رعایت توصیه‌های دینی در ارتباط با نامحرم دیگر کاربردی ندارند؛ زیرا بر مبنای اعتقاد این محققان، بسیاری از توصیه‌هایی که در مورد زنان مطرح شده و در بردارنده محدودیت‌هایی برای آنان است، مبتنی بر تفصیل بین زن برزه و مخدره است و اغلب روایات نظر به موقعیت زنان مخدره دارند؛ اما چنین تقسیم و استدلالی کاملاً غیرمنطقی و نادرست است؛ زیرا معنای زن مخدره، زن باحجاب و پاکدامن و باشرم و حیاست (این منظور، ۱۴۰۵ ق، ج ۵، ص ۹۹) و این به معنای این نیست که به طور کلی از خانه خارج نمی‌شود؛ بلکه به این معنا است که حریم حفظ می‌کند و در روابط با نامحرم، بی‌پروا نیست. زن مخدره زنی است که در مواقع ضروری و به فراخور نیاز جامعه، در صحنه‌های اجتماعی حضور دارد؛ اما در ارتباط با نامحرم پرده حیا می‌کشد. در واقع، حجاب و اخلاقی پرده است و او را در مواقع ضروری حفظ می‌کند. آیا حضرت زهرا(س) در صحنه‌های اجتماعی حضور نداشت؟ آن حضرت در یکی از صحنه‌های جنگ حاضر بود (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۲۴۹). همچنین در مسجد، هنگامی که حضور را ضروری دانست، حاضر شد و سخنرانی کرد. حضور حضرت زینب(س) در حادثه کربلا و بعد از آن سخنرانی در مجلس یزید نیز، نمونه دیگری از حضور زنان و دختران و خواهران معصومین در صحنه اجتماع است. مگر ایشان مخدره نبودند؟ پس شیوه استدلال این نویسندگان باطل است که زنان مقید به دستورات اسلامی را از صحنه جامعه حذف می‌کنند و آیات و روایات حجاب را مختص آنان می‌دانند. همچنین اگر در کلام فقها برای اخذ شهادت از زنان برزه دقت شود، معلوم می‌گردد که از نظر آنها، زن برزه زن آزاد و رها و بی‌قیدوبند نیست. به همین جهت، حضور زن در دادگاه را مقید به همراهی محرم کرده‌اند و دلیل عدم

حضور زن مخدره در دادگاه این نیست که آیات حجاب و حفظ حریم مخصوص آنها باشد؛ بلکه چه بسا به دلیل نوع زندگی‌ای که زن مخدره برای خود انتخاب کرده، حضور در اجتماع برای او سخت و باعث عسر و حرج باشد و لذا او را به حضور در دادگاه ملزم نمی‌کنند. به علاوه، آیه جلاباب: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ بَنَاتٌ كَوْنَسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ فَلَا أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب، ۵۹) که بر نحوه حجاب و پوشش زن دلالت دارد، جهت نوع حضور زن در جامعه نازل شده است و آن وقتی بود که زنان برای حضور در نماز به مسجد می‌رفتند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۶). بنابراین اگر گفته شود آیات حجاب برای زنان مخدره است که این آیه لغو و بدون موضوع می‌شود!

۳-۱-۱. زمینه‌ساز بی‌عفتی و فساد و پدید آمدن مشکلات

فضای پرهیجان ورزشگاه‌های بزرگ، که اغلب از افراد جوان و پرشور و نشاط پر می‌شوند، به‌ویژه اگر ورزش نیز از نوع ورزش‌های پرشور و هیجان‌مانند فوتبال باشد، فضای مناسبی برای حضور بانوان نیست و سرچشمه مشکلات زیادی از نظر اخلاقی و اجتماعی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸، مندرج در www.tabnak.ir). به‌علاوه رفتارهای ناشایست برخی از تماشاگران مرد، پرخاشگری و گفتن سخنان ناشایست توسط آنها که اصول اخلاقی را رعایت نمی‌کنند و همچنین پوشش نامناسب ورزشکاران مرد و تماشای بدن آنها توسط زنان نامحرم، عوامل بسیار مهمی در ممانعت از ورود زنان به ورزشگاه‌های مردانه هستند (علوی گرگانی و مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، مندرج در www.yjc.news). همچنین تماشای برخی از ورزش‌ها تأثیری مخرب بر روحیه زنان دارد. زنان در خانواده با کودکان بیشتر ارتباط دارند و نباید تحت تأثیر رفتارهای خشن و تنش‌زا قرار بگیرند تا روح و روان لطیف و نرم آنها دچار آسیب نشود (فخار طوسی، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

۳-۱-۲. دلایل مجاز بودن حضور زنان در ورزشگاه

برای تجویز حضور زن در ورزشگاه، به ادله‌ای استناد شده که در این بخش، نقد و بررسی می‌شوند.

۱-۲-۱. مخیر بودن انسان نسبت به افعالش

وقتی انسان به سن قانونی می‌رسد، مسئولیت تمام اعمالش بر عهده خودش است. یک انسان عاقل و بالغ بین فعل و ترک فعل مخیر است؛ مگر آنکه فعلی که انجام می‌دهد، ممنوعیت قانونی داشته باشد. در غیر این صورت، برای هر فعلی که انجام می‌دهد، بازخواست نخواهد شد و آن فعل جرم نخواهد بود؛ زیرا طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، جرم هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. در حقوق اسلامی، پایه و اساس آزاد بودن انسان در کارهایی که انجام می‌دهد، اصل براءت است. طبق این اصل، تا زمانی که دلیلی بر ممنوع بودن عملی وجود نداشته باشد، آن عمل جایز است. پس اصل بر براءت است و هرکس ادعای حرمت دارد، باید دلیل بیاورد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۸). لذا تا هنگامی که دلیلی از شرع نداشته باشیم، نمی‌توانیم مانع رفتن زنان به ورزشگاه شویم.

این دلیل نیز به‌طور مطلق قابل پذیرش نیست؛ زیرا مخیر بودن انسان به معنای آزادی مطلق او نیست؛ بلکه اختیارش به رعایت موازین شرعی مقید شده است و در انجام اعمال خلاف شرع، آزاد و رها نیست. به‌علاوه استناد به اصل براءت وقتی صحیح است که هیچ دلیلی بر ممنوعیت نباشد. حال در مورد حضور زنان در ورزشگاه، درست است که به‌دلیل جدید بودن موضوع، نص خاص نداریم، اما با توجه به آیات، روایات و اصول شریعت، نمی‌توان این امر را به‌طور مطلق جایز دانست. توضیح مطلب این است که در شریعت اسلام، مسئله حضور زن در جامعه و ارتباط با نامحرم محدودیت‌های خاصی دارد. از جمله احکام پیرامون این موضوع، می‌توان به حرمت گفتار یا رفتار شهوت‌برانگیز، حرمت نگاه به اعضای بدن (جز وجه و کفین)، حرمت رفتارهای برخاسته از قصد التذاذ، حرمت لمس، و جوب ترک موقیعت‌هایی که می‌توانند منجر به گناه شوند و ... اشاره کرد (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص ۱۹۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۳). اندیشمندان اسلامی فلسفه این احکام را اموری مانند مهار کردن امیال جنسی و محدود کردن آن در روابط زن و شوهر و به تبع آن،

فراهم آوردن شرایط سالم در خانواده و اجتماع، استواری جامعه اسلامی، ایجاد آرامش روحی و روانی برای زن و مرد و حفظ ارزش زن عنوان کرده‌اند (مطهری، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۴۲۷ و ۴۴۳؛ جعفریان، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۱۴۸). با تأملی در این احکام، به وضوح آشکار است که در روابط زن و مرد نامحرم، هر عملی که به قصد لذت بردن انجام شود یا نوعاً به ارتکاب حرام بینجامد یا خوف آن باشد که به حرام منجر شود، ممنوع و حکم به حرمت آن داده شده است. در ادامه، برخی از مصادیق موضوعات مذکور، بررسی می‌شود.

آیه ۳۲ سوره احزاب: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»، خطاب به زنان می‌فرماید که با ناز و عشوه صحبت نکنید تا بیمار دلان طمع نوزند. با توجه به اطلاق آیه، فرقی نمی‌کند موضوع سخن چه باشد؛ بلکه صرف طنازانه سخن گفتن، ولو در غالب واژگان رسمی، مورد نهی قرار گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۲۸۹). با توجه به علت مذکور در آیه، می‌توان گفت هر فعل دیگری که به اندازه طنازانه صحبت کردن یا بیشتر از آن، امکان ایجاد طمع در دل‌های بیمار را داشته باشد، مورد نهی قرار گرفته است (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۷۸؛ صدر، ۱۴۲۰، ق، ج ۳، ص ۱۸۰).

آیه ۵۳ احزاب «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» که خطاب به مردان است، یکی دیگر از آیاتی است که ضوابط تعامل میان زن و مرد نامحرم را بیان می‌کند. طبق این آیه، به مردان امر شده است تا هنگام صحبت کردن با زنان نامحرم و طلب چیزی از آنان، از پشت پرده و حائل صحبت کنند و چیزی مطالبه نمایند. در این آیه، گفتگو و ارتباط با نامحرم به طور مطلق منع نشده، اما در نحوه ارتباط بر «رعایت فاصله» یا «وجود حریم دیداری» تأکید شده است. دلیل قید وجود پرده نیز در ادامه آیه آمده که می‌فرماید: «ذَلِكَ لِكُمْ أَطْهَرُ لِقُولِكُمْ وَقُلُوبِكُمْ»؛ یعنی عدم اختلاط و حفظ حریم در دل انسان اثر گذاشته، سبب پاک‌سازی دل‌های زنان و مردان می‌گردد. به عبارت دیگر، فاصله‌گذاری و رعایت حریم در روابط زن و مرد نامحرم از ایجاد ناپاکی و مفسده جلوگیری می‌کند.

آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى

لهم... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» نیز، هنجارهای دیگری در خصوص روابط میان زن و مرد بیان نموده است؛ این دو آیه به زنان و مردان مؤمن امر می‌کند که علاوه بر حفظ فروج خود از ارتکاب محرمات، «غض بصر» کنند؛ یعنی نگاهشان را کاهش دهند و عمیق و دقیق به نامحرم نگاه نکنند. در اینجا نیز، بر رعایت حریم در روابط زن و مرد نامحرم تأکید شده است و این حفظ حریم را سبب پاکی قلوب برمی‌شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۴۳۷). در ادامه آیه شریفه، آمده است: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»؛ در اینجا به عفاف در رفتار و پرهیز از رفتارهایی که سبب جلب توجه می‌گردد، امر شده است. با توجه به آیه شریفه، زنان هنگام حضور در اجتماع، باید نهایت وقار و دقت نظر را داشته باشند؛ به طوری که حتی طوری رفتار نکنند و راه نروند که زینت‌های پنهان آنها آشکار شود. همه اینها به جهت جلوگیری از مفسده، تمرکز بر کار و فعالیت اجتماعی، پرهیز از انحراف افکار و راه پیدا کردن امیال شهوانی در جامعه و محدود کردن غرایز جنسی بین زن و شوهر است.

آیات ۲۳ تا ۲۶ سوره قصص نیز با بیان داستان حضرت موسی (ع) و دختران شعیب، جنبه دیگری از ضوابط حاکم بر روابط میان زن و مرد را نشان می‌دهد. برخی از پژوهشگران با توجه به فراز «لَاسْتَقِي حَتَّى يَصْدُرَ الرَّعَاءُ» که در آن واژه «الرعاء» به صورت عام آمده است، چنین نتیجه گرفته‌اند که دختران حضرت شعیب منتظر می‌ماندند تا همه مردان و نه برخی از آنها، کنار روند و از این مسئله، وجود برخی احکام مربوط به روابط زن و مرد، مانند تفکیک جنسیتی در شرایع پیشین را نتیجه گرفته‌اند (دهقان‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۷). به عبارت دیگر، این آیات و آیات دیگری که در ادامه نوع رفتار حضرت موسی (ع) با دختران شعیب را بیان می‌کند، نشان می‌دهد که حیا و عفاف و حفظ حریم در روابط زن و مرد نامحرم مختص دین اسلام نیست؛ بلکه در شرایع پیشین نیز، وجود داشته و سیره متدینین و انبیای پیشین بر همین امر استوار بوده است.

آیه ۱۲ سوره ممتحنه از آیات دیگری است که بر فاصله‌گذاری بین زنان و مردان تأکید می‌کند. این آیه درباره بیعت زنان با پیامبر (ص) است. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ
 أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِنِهْتَانٍ يَقْتَرِبْنَ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ
 لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». در این آیه، با اینکه حقوق سیاسی و اجتماعی زنان به رسمیت
 شناخته شده، با توجه به روایات نقل شده در شیوه بیعت پیامبر^(ص) با زنان (ن. ک. کلینی، ۱۳۶۳
 ق، ج ۵، ص ۵۲۶)، آشکار است که تفکیک جنسیتی و فاصله‌گذاری بین زنان و مردان در بیعت
 با پیامبر^(ص) لحاظ شده است. این روایات دلیل بر آن است که در جریان بیعت، هیچ‌گونه اختلاطی
 بین زنان و مردان نبوده است (دهقان‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۸).

علاوه بر آیات مذکور، روایات فراوانی نیز به‌طور مؤکد بر عدم اختلاط دلالت دارند و بر
 لزوم تفکیک میان محل‌های ورود و خروج زنان و مردان نامحرم تأکید می‌کنند (جعفریان،
 ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۲۳۰).

چنان‌که از مطالب مذکور آشکار می‌گردد، در ارتباط با حضور زن در جامعه و روابط با
 نامحرم، اصل بر برائت نیست؛ یعنی چنین نیست که زن آزاد باشد به هر نحوی که خواست،
 در جامعه حضور داشته باشد؛ بلکه حضور زن در جامعه دارای ضوابطی است که مهم‌ترین
 هدف آن حفظ سلامت زن و جامعه است. بنابراین در حضور زن در اجتماع، اصل بر حفظ
 حریم و پرهیز از اختلاط مفسده‌انگیز و رعایت وقار در رفتار و گفتار است. به همین جهت،
 از نظر شرعی هر جا اختلاط زن و مرد سبب مفسده گردد، حتی اگر یقینی نباشد بلکه احتمال
 عقلایی مفسده داده شود، چنین اختلاطی حرام و ممنوع است (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲،
 ص ۸۱۴). بنابراین نمی‌توان به استناد اصل برائت، حضور زنان در ورزشگاه‌های مردانه را
 توجیه کرد؛ زیرا حضور زن در ورزشگاه‌های مردانه با توجه به شرایط کنونی، در غالب موارد،
 سبب ایجاد اختلاط مفسده‌انگیز می‌گردد. به عبارت دیگر، دستورات اسلام به‌طور مؤکد، بر
 رعایت حریم در روابط زن و مرد و دوری از اختلاط، به‌خصوص اختلاط مفسده‌انگیز، تأکید
 می‌کنند. لذا با توجه به شرایط کنونی ورزشگاه‌ها و عدم وجود تمهیدات لازم برای حضور
 زنان، حضور زنان در ورزشگاه‌های مردانه با موازین شرعی مطابقت ندارد و جایز نیست یا

حداقل احتیاط در ترک آن است.

۲-۱. عدالت اجتماعی و آزادی در بهره‌مندی از امکانات عمومی

زندگی در محیطی عادلانه و بهره‌مندی از شرایط یکسان در استفاده از امکانات عمومی جامعه، یکی از نیازهای اساسی انسان در زندگی اجتماعی است. قرآن کریم در مورد عدالت می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْأَبْعَىٰ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (نحل، ۹۰). همه انسان‌ها حق زندگی، حق آزادی، حق بهره‌مندی از شرایط عادلانه اجتماعی و حقوق شهروندی یکسان دارند. حقوق شهروندی زنان نیز یکی از اساسی‌ترین مفاهیم حقوقی است که مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد. در جمهوری اسلامی ایران، حقوق زنان را قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی و سایر قوانین و مقررات، حمایت کرده‌اند (جهانگیر و کاوه پیشقدم، ۱۳۹۸، ص ۱-۲). در ماده ۸۹ منشور حقوق شهروندی آمده است: «حق همه شهروندان، به‌ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم دسترسی داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی - ایرانی، در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند». همچنین در ماده ۱۰۳ ذیل بند «ط»، که درباره حق دسترسی و مشارکت فرهنگی است، اشاره می‌کند که همه شهروندان، به‌ویژه زنان، حق دارند از مشارکت و حضور در فضاهای عمومی برخوردار شوند. بنابراین رفتن زنان به ورزشگاه‌های مردانه، که یک مکان عمومی است، براساس این قوانین، جزء حقوق مسلم زنان است.

این دلیل نیز به‌طور مطلق قابل پذیرش نیست؛ زیرا درست است که منع صریحی درباره حضور زنان در فضاهای عمومی و بهره‌مندی از حقوق شهروندی نداریم، ولی باید توجه کنیم که این امر مطلق نیست؛ بلکه عوامل محدودکننده‌ای در مفهوم حقوق شهروندی زنان وجود دارد و اینها در اصل و مواد هر دو سند قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی وجود دارند. در اصل ۲۰ قانون اساسی، زن و مرد به‌طور یکسان مورد حمایت قانون قرار گرفته‌اند، اما با کاربرد قیودی مانند «با رعایت موازین اسلام»، محدودیت‌هایی در حمایت قانون از حقوق

زنان ایجاد شده‌اند (جهانگیر و کاوه پیشقدم، ۱۳۹۸، ص ۲۵-۲۶). به علاوه، معنای عدالت برابری همه انسان‌ها در همه موضوعات نیست؛ بلکه به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خودش است؛ یعنی هرکس باید با توجه به شرایط و موقعیت خود، از حقوق متناسب با آن بهره‌مند شود. زن نیز با رعایت موازین شرعی و قانونی باید از مواهب اجتماعی بهره‌مند شود. آنچه جای تأمل دارد، این است که جایی که حکم شرعی به نفع زن است و تبعیض منفی علیه مرد است، مانند نفقه، مهریه و ...، چرا کسی سخن از برابری حقوق زن و مرد مطرح نمی‌کند؟ همچنین اگر به آیه ۹۰ سوره نحل، که در بحث به آن اشاره شد، توجه کنیم، همان‌طور که به عدل امر شده، از فحشا و منکر نیز نهی شده است. با توجه به این آیه، می‌توانیم این‌طور برداشت کنیم که اگر رفتن زنان به فضاهای عمومی منشأ فساد شود، دیگر نمی‌تواند مصداق آزادی و عدالت اجتماعی باشد.

۳-۲-۱. اثرات مثبت حضور زنان در ورزشگاه‌های مردانه

رفتن به تماشای مسابقات ورزشی برای تماشاگران شادی و هیجان فراوانی دارد و باعث می‌شود تماشاگران انرژی مثبت دریافت کنند. لذا در تغییر روحیه زنان بسیار مؤثر است. همچنین تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهند که حضور زنان نقش مؤثری در کاهش رفتارهای ناهنجار ورزشکاران و تماشاگران در ورزشگاه دارد. همچنین حضور زنان در محیط‌های ورزشی، نشاط و هیجان مثبتی را به محیط تزریق می‌کند (فخار طوسی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۳-۱۰۴)؛ اما اولاً این سخن به هیچ وجه، دلیل قابل قبولی نیست و نهایتاً یک دلیل استحسانی است که نزد فقهای امامیه مردود می‌باشد. ثانیاً درست است که داشتن روحیه شاد در ایجاد زندگی سالم و فعال مؤثر است، اما کسب شادی از هر راهی مجاز نیست. بنابراین این سخن نمی‌تواند دلیل مقبولی برای حضور زن در ورزشگاه باشد. بلکه اگر حضور زن در ورزشگاه‌های مردانه با ادله تجویز شود، کسب شادی از طریق آن هم مجاز خواهد بود. به علاوه نگاه به عرف جامعه خلاف این ادعا را ثابت می‌کند. به عنوان مثال حضور زنان در کافه‌ها نه تنها رفتار مردان را تعدیل نکرد بلکه اثرات منفی بر رفتار زنان داشت.

۱-۳. جمع‌بندی و بیان نظر برگزیده

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در مورد حضور زنان در ورزشگاه‌های مردانه، دو دیدگاه وجود دارد: عده‌ای با استناد به آیات و روایات دال بر رعایت حریم در روابط زن و مرد، این موضوع را به‌طور کلی تحریم کرده، آن را زمینه‌ساز فساد، بی‌عفتی و مشکلات اخلاقی می‌دانند. در مقابل، عده‌ای دیگر با استناد به مفاهیمی از قبیل آزادی و عدالت اجتماعی، ورود زنان به ورزشگاه‌های مردانه را بدون قید و شرط مجاز می‌شمارند؛ اما به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این دو دیدگاه به‌طور مطلق قابل پذیرش نیست و با موازین شرعی و واقعیت‌های موجود جامعه سازگاری ندارد. توضیح مطلب اینکه درست است که شریعت اسلام بر رعایت حریم در روابط زن و مرد و عدم اختلاط آنها تأکید ویژه‌ای دارد، اما حکم اختلاط زن و مرد به اتفاق نظر فقها کراهت است؛ مگر اینکه اختلاط مفسده‌ای به دنبال داشته باشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۸، ص ۵۰۷؛ تبریزی، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۳۹۲). حال با توجه به شرایط حاکم بر مسابقات ورزشی، نمی‌توان گفت در تمام مسابقات، حضور زنان سبب اختلاط مفسده‌انگیز می‌شود. مثلاً در ورزش‌هایی مثل والیبال و تنیس و مانند اینها که معمولاً در فضای آرام و به دور از تنش برگزار می‌شوند، حضور زنان برای تماشای این مسابقات مفسده‌ای ندارد.

از طرف دیگر، استناد به آزادی و عدالت اجتماعی نیز نمی‌تواند حضور زن در ورزشگاه‌ها را به‌طور مطلق تجویز کند؛ زیرا از طرفی، آزادی به‌معنای بی‌بندوباری و رهایی بی‌قیدوشرط نیست و از طرف دیگر، عدالت اجتماعی به‌معنای برابری در همه حقوق نیست؛ بلکه در تعریف آزادی و عدالت، باید قوانین و احکام شرعی لحاظ شود. بنابراین مواردی که حضور زن در ورزشگاه با موازین شرعی سازگاری ندارد، حضور زنان در ورزشگاه جایز نیست. مثلاً در ورزش‌هایی مثل شنا، کشتی و امثال اینها، که قسمت‌های زیادی از بدن مرد عریان است یا پوشش مناسبی ندارد، حضور زنان برای تماشای این مسابقات خلاف موازین شرعی است و جایز نمی‌باشد؛ زیرا به فرض که پوشاندن غیرعورت بر مرد واجب نباشد، اما نگاه به بدن مرد برای زن جایز و نوعاً خالی از مفسده نیست. به همین دلیل، فقها آن را جایز نمی‌دانند (نجفی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۵۱۵؛ علوی گرگانی و مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، مندرج در <https://www.yjc.news>).

باید این مسئله را نیز در نظر بگیریم که طرح چنین مسائلی در جامعه باید به طرق کارشناسی صورت بگیرد. اگر قرار باشد که خانم‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کنیم، بایست شیوه‌های درست را به کار بگیریم؛ برای مثال، امام علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «ای اهل عراق! باخبر شدم که زنان در راه‌ها با مردان برخورد تن‌به‌تن می‌کنند. آیا خجالت نمی‌کشید؟». در حدیثی دیگر فرمودند: «آیا خجالت نمی‌کشید و غیرت نمی‌ورزید که زنان به بازار می‌روند و با افراد لابلالی برخورد می‌کنند؟» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۵۳۷). ملاحظه می‌کنیم که امام علیه‌السلام به جای تذکر به زنان، غیرت مردان را نشانه گرفته‌اند؛ زیرا پشت هر زن لابلالی نسبت به ارتباط نادرست و بدون ضابطه با نامحرم، یک مرد بی‌غیرت است. از طرفی دیگر، مردان بر زنان خود قیومت و سرپرستی دارند (نساء، ۳۴). لذا گوشزد کردن چنین امری به مردان بهتر است تا آنها آگاه شوند و افراد تحت سرپرستی خود را از آسیب‌های اجتماعی مصون نگاه دارند. همچنین این نحوه سخن گفتن نشان می‌دهد که شخصیت زن در اسلام، جایگاه ویژه و حساسی دارد و باید در نحوه امر به معروف و نهی از منکر، شخصیت او حفظ شود و به‌طور مستقیم مخاطب نباشد. احادیث دیگری نیز از امام صادق (ع) روایت می‌شود که می‌فرماید: «خداوند در روز قیامت با مرد بی‌غیرت سخن نمی‌گوید و بهشت بر مرد بی‌غیرت حرام است» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۵۳۷). بنابراین تکیه بر غیرت مردان مسلمان و خطاب به آنان برای ضرورت حفاظت از ناموسشان در چنین جایگاهی سزاوارتر است؛ اما از آنجا که صرف حضور زنان در ورزشگاه حرام نیست و مطالبات زنان در زمان حاضر نیز اهمیت دارد، باید راه چاره‌ای اتخاذ شود.

به نظر می‌رسد برای حضور زنان در ورزشگاه‌های مردانه، باید راه میانه‌ای در پیش گرفت؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، صرف حضور زنان در چنین اماکنی حرام نیست؛ مگر اینکه با امور حرام دیگری مقارن شود. لذا در مواردی که با توجه به نوع ورزش، مردان پوشش مناسبی ندارند، حضور زنان برای تماشای چنین ورزش‌هایی جایز نیست. در مقابل، ورزش‌هایی مثل والیبال، تنیس، بسکتبال و ... که از طرفی، پوشش مردان مناسب است و از

طرف دیگر، با توجه به جو حاکم بر این مسابقات، معمولاً در محیطی آرام و به دور از خشونت انجام می‌شود، حضور زنان برای تماشای این مسابقات نه مفسده‌ای به دنبال دارد و نه اختلاط حرامی صورت می‌گیرد. نهایتاً دولت می‌تواند با وضع قوانین مناسب و الزام ورزشگاه‌ها به قرار دادن جایگاه اختصاصی برای بانوان، شرایط حضور زنان در چنین اماکنی را مهیا کند.

در مورد ورزش‌هایی نظیر فوتبال که نوع پوشش مناسب است، اما به دلیل حساسیت این مسابقات در جامعه و فضای خشن و دور از شأن انسانی که به دلیل درگیری طرفداران دو تیم در ورزشگاه ایجاد می‌شود، اظهارنظر در رابطه با حضور زنان برای تماشای چنین مسابقاتی مشکل می‌شود. مخالفان به دلیل احتمال عقلایی اختلاط مفسده‌انگیز و عدم رعایت شأن زن مسلمان در چنین مکان‌هایی، حضور زن در این مکان‌ها را مخالف موازین شرعی می‌دانند. اما واقعیت این است که جو حاکم بر این ورزشگاه‌ها در برخی موارد، به دلیل به کار بردن الفاظ رکیک، درگیری فیزیکی و ایجاد جو خشن، با منزلت و شأن انسانی مغایرت دارد نه فقط شأن زن. لذا اگر قرار باشد شأن انسانی رعایت شود و به این دلیل، با حضور زنان در این ورزشگاه‌ها مخالفت شود، باید حضور تماشاگران مرد نیز در این ورزشگاه‌ها ممنوع شود! زیرا دقیقاً همین دلیل در جانب مردان نیز جاری است. اگر هم رفتارهای خلاف شأن انسانی مانعی برای حضور تماشاگران مرد نیست، پس به چه دلیل برای حضور زن مانع باشد؟

از طرف دیگر، در اینکه حضور در چنین مکان‌هایی واقعاً مطلوب نیست و با جایگاه معنوی انسان مغایرت دارد، جای هیچ‌گونه تردیدی نیست؛ اما رعایت شأن هر انسانی تا حدود زیادی در اختیار خودش است. اگر چنین باشد که عدم رعایت شأن زن مسلمان در مکانی سبب ممنوعیت حضور زنان در آن مکان گردد، این امر اختصاص به ورزشگاه ندارد؛ بلکه در بسیاری از مکان‌های عمومی مثل تفریحگاه‌ها، پارک‌ها، ساحل دریا و ... باید حضور زنان به دلیل عدم رعایت شأن زن مسلمان ممنوع شود! به علاوه همان‌طور که گفته شد، حضور در این اماکن، در برخی موارد، به‌طور کلی با شأن انسانی مغایرت دارد. لذا ممنوعیت حضور

زنان مشکلی را حل نمی‌کند؛ بلکه دولت‌ها باید تلاش کنند تا جایی که ممکن است، با نظارت جدی بر این اماکن و برخورد قاطع و مجازات سنگین متخلفین، سعی بر سالم‌سازی این اماکن داشته باشند و از طرف دیگر، با قرار دادن جایگاه اختصاصی و درب مستقل ورود و خروج برای بانوان، شرایط حضور زنان در این ورزشگاه‌ها را طوری فراهم کنند که حریم بین زن و مرد رعایت شده، تغیری با موازین شرعی نداشته باشد؛ وگرنه مخالفت و سخت‌گیری غیرمنطقی در شرایط کنونی و با توجه به جو حاکم بر جامعه جهانی، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه بر مشکلات موجود می‌افزاید.

یافته‌های پژوهش

در اسلام، توصیه صریحی درخصوص ورزش زنان نداریم و فقط می‌توانیم بگوییم که ورزش عملی مباح است. رفتن زنان به ورزشگاه برای فعالیت‌های ورزشی بین خود زنان و بدون حضور نامحرم مجاز است؛ اما رفتن به ورزشگاه‌های مردانه، موافقان و مخالفان زیادی دارد و هر گروهی برای مدعای خود، استدلال‌های خاصی دارند. درست است که شأن زن مسلمان اقتضا می‌کند در محلی مانند ورزشگاه مردانه، حضور نداشته باشد، اما منع زنان از رفتن به ورزشگاه مشکلی را حل نمی‌کند. به جای منع آنها از حضور، باید دنبال راهکار بود. براساس قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی، شهروندان دارای حقوق فطری و طبیعی و قراردادی می‌باشند. دولت موظف است این حقوق را رعایت کرده و آنان را حمایت کند. دولت باید با ایجاد شرایط لازم، عدم ایجاد اختلال در مبانی اسلام، عدم مخالفت با دستورات شریعت و رعایت موازین شرعی، خواسته‌ها و مطالبات شهروندان را برآورده کند.

راهکارها این هستند که آموزش‌های لازم به تمام افراد جامعه در زمینه چگونگی ارتباط با جنس مخالف داده شود؛ چه آموزش‌های دینی و چه آموزش‌های علمی و امروزی و چه بهتر که این آموزش‌ها از دوره ابتدایی در مدارس آغاز شود. دولت نقش اساسی در این زمینه دارد. همچنین ورزشگاه‌ها تحت نظارت دولت هستند. دولت موظف است که به مطالبات شهروندان که براساس قانون و به حق باشد، احترام بگذارد. لذا به غیر از ورزش‌هایی که

حضور زنان به دلیل عدم پوشش مناسب، از نظر شرعی ممنوع است، در موارد دیگر، دولت می‌تواند با ایجاد فضای مناسب در ورزشگاه‌ها، شرایط مساعدی را برای حضور زنان در ورزشگاه‌های مردانه فراهم کند. شرایطی که هم شایسته شأن و مقام زن مسلمان باشد و هم با دستورات مؤکد اسلام، بر عدم اختلاط زن و مرد مطابقت داشته باشد. اما در شرایط فعلی و تا زمانی که مقدمات حضور زنان در ورزشگاه‌ها فراهم نشده، با توجه به مبانی فقهی عدم اختلاط که جلوگیری از فساد در اجتماع است و با توجه به اینکه در شرایط فعلی، ساختار ورزشگاه‌های مردانه مناسب حضور زنان نیست، حضور زن در چنین فضاهایی با موازین شرعی مطابقت ندارد.

سپاس‌گزاری: بدین وسیله از حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهید چمران اهواز در قالب پژوهانه (SCU, TP1401, 36809) در انجام این تحقیق تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه.
- اشتهازی، علی پناه (۱۴۱۷ق). مدارک العروه. تهران: منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریه، دار الاسوه للطباعه و النشر.
- انصاری، محمدعلی (خلیفه شوشتری) (۱۴۱۵ق). الموسوعه الفقهیه المیسره. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بجنوردی، حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- تبریزی، جواد (۱۳۹۱). صراط النجاه. قم: دار الصدیقه الشهیده (س).
- جعفریان، رسول (۱۳۸۰). رسائل حجاییه. قم: دلیل ما.
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق). موسوعه الفقه الاسلامی طبق المذهب اهل البیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- جهانگیر، زهرا و کاوه پیشقدم، محمدکاظم (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی جایگاه حقوق شهروندی زنان در قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه زن و جامعه، ۱۰(۲)، ص ۱۴۸-۱۱۹.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۲۱ق). ولایت فقیه. مشهد: علامه طباطبایی.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء (الطهاره الی الجعالمه). قم: مؤسسه آل‌البت^(ع) لاحیاء التراث.
- دهقان‌نژاد، رضا (۱۳۹۵). «حریم‌شناسی زن و مرداز منظر قرآن کریم». مجموعه مقالات ششمین همایش قرآن کریم سفینه‌النجاه عصر با موضوع فرهنگ و عفاف و حجاب.
- روحانی، محمدصادق (۱۳۸۳). استفتائات. قم: حدیث دل.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۹). استفتائات. قم: مؤسسه امام علی^(ع).
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۸ق). نظام القضاء و الشهاده فی الشریعه الاسلامیه الغراء. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- سند، محمد (۱۳۹۴). سند العروه الوثقی (الاجتهاد و التقليد). تهران: دارالکوخ.
- سیفی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). دلیل تحریر الوسيله (ولایه الفقیه). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۰ق). ماوراء الفقه. لبنان: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. بی‌جا: بنیاد فکری و علمی علامه طباطبایی.
- _____ (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۶ق). مجمع البیان. تهران: دارالاسوه.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق). مجمع البحرین. تحقیق سید احمد حسینی. بی‌جا: بی‌نا.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم. مؤسسه النشر الاسلامی.
- عبدالقادر، محمد (۱۴۱۵ق). مختار الصحاح. تحقیق احمد شمس‌الدین. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- علوی گرگانی، محمدعلی (۱۳۸۴). اجوبه المسائل. قم: دفتر حضرت آیت‌الله علوی گرگانی.
- _____ (۱۳۹۴). «نظر مراجع عظام تقلید درباره حضور بانوان در ورزشگاه‌ها». مندرج در: <https://www.yjs.news/fa/news/5180630>
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۰۸ق). تفصیل الشریعه (الصلاه). قم: مؤلف.

- فخار طوسی، جواد (۱۳۹۷). حضور زنان در ورزشگاه. تهران: پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به سفارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
 - فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. بی‌جا: بی‌نا.
 - _____ (۱۴۱۰ق). کتاب العین. تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، بی‌جا: بی‌نا.
 - قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۲۷ق). الجامع لاحکام القرآن. بیروت: مؤسسه الرساله
 - قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی. تحقیق و تصحیح طیب موسوی جزایری. قم: دار الکتب.
 - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 - مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 - _____ (۱۳۶۳). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 - محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد. قم: مؤسسه آل‌البتیت^(ع).
 - مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مسئله حجاب. بی‌جا: انتشارات صدرا.
 - _____ (بی‌تا). فقه و حقوق (مجموعه آثار)، جلد ۱۹. قم: بی‌نا.
 - مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). احکام النساء. قم: الموتر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
 - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 - _____ (۱۳۷۸). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سی‌وهشتم.
 - _____ (۱۴۲۷ق). استفتائات. قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب^(ع).
 - _____ (۱۳۹۸). نظر آیت‌الله مکارم درباره ورود زنان به ورزشگاه‌ها:
- <https://www.tabnak.ir>
- _____ (۱۳۹۴). «نظر مراجع عظام تقلید درباره حضور بانوان در ورزشگاه‌ها». مندرج در: <https://www.yjs.news/fa/news/5180630>
 - موحدی نجفی، محمدباقر (۱۳۸۷). البرهان السدید فی الاجتهاد و التقليد. قم: دارالتفسیر.
 - موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). توضیح المسائل (امام و مراجع). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 - _____ (۱۳۹۲). استفتائات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع).
 - نجفی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). معجم فقه الجواهر. بیروت: دار الغدیر للطباعة و النشر و التوزیع.
 - _____ (۱۴۲۱ق). جواهرالکلام. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت^(ع).
 - نوری همدانی، حسین (۱۳۹۴). «نظر مراجع عظام تقلید درباره حضور بانوان در ورزشگاه‌ها». مندرج در: <https://www.yjs.news/fa/news/5180630>
 - واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). کتاب المغازی. تحقیق مارسدن جونس. بیروت: مؤسسه اعلامی.

- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع). قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- یزدی، محمد (۱۳۷۴). فقه القرآن. قم: اسماعیلیان.

